

 یادداشت

اداره کردن را با جیب بری اشتباه گرفته‌اید جناب رئیس!

صادق کار



تأمین بودجه با کیفیتی که ذکر شد اگر هم واقعیت داشته باشد نه تنها هنری محسوب نمی شود بلکه عین بی لیاقتی و شارلاتاریسم است. وضعیت خیابانهای مملو از معترضین بهترین گواه این امر است. به قول و قرارهای دولتی که نتوانسته به هیچ یک از وعده‌هایی که به مردم داده عمل کند و اصولا رویکرد ها و برنامه های سیاسی و اقتصادی اش بحران آفرین است، نباید اعتماد کرد.

به نوشته روزنامه تسنیم مسعود میرکاظمی رئیس سازمان برنامه و بودجه گفته است، ۸ ماه کشور را بدون ریالی قرض اداره کردیم و افزوده است "تورم کنترل خواهد شد"

این ادعای کاذب در حالی مطرح می شود، که روز گذشته خبر شکسته شدن رکورد تورم در تاریخ ایران توسط رسانه‌های داخلی منتشر شد و این رسانه ها با استناد به آمار رسمی نرخ تورم نقطه ای را ۵۲،۵ درصد اعلام کردند و افتخار آن را به دولت رئیسی نسبت دادند.



مردم هنوز از خاطر نبرده‌اند که نزدیک به یک سال پیش مهمترین وعده انتخاباتی رئیسی و شرکا کاهش تورم و بزرگتر کردن سفره‌های مردم بود. اما سفره‌ها آب رفت و افزایش تورم یک سال نشده تاریخی شد.

در مورد سایر وعده‌ها هم وضع چندان فرقی ندارد. با این اوصاف و سابقه حال که فریاد اعتراض مردم از گرانی و تورم و سقوط همه روزه قدرت خرید از هر سو دم به دم بلندتر می‌شود باید گفت جناب میر کاظمی اداره کردن را با جیب بری اشتباه گرفته‌اید!

او باز هم به دروغ و نیرنگ متوسل می‌شود بلکه برای مدتی هم که شده از خشم در شرف انفجار مردم از خود و دولت و حکومت اندکی بکاهد. او مدعی می‌شود که کشور را بدون ریالی قرض اداره کرده است.

فریبکاری می‌کند چون، گزارشات و آنالیز وضعیت اقتصادی توسط کارشناسان اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد سیاست چاپ پول بدون پشتوانه برای تامین هزینه‌های دولت که بیشتر از گذشته شده است، حجم نقدینگی و قیمت دلار نیز افزایش پیدا کرده‌اند.

رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت، افزون بر آن، بخش بزرگ دیگری از هزینه‌های دولت را با خالی کردن جیب مردم و از طرقي چون، کنش رفتن از بودجه رتبه بندی معلمان، همسان سازی بازنشستگان، کاهش حقوق کارکنان شاغل و بازنشسته دولت، دست درازی به اندوخته‌های سازمان تامین اجتماعی، گران کردن کالاها و خدمات و افزایش شدید مالیات کسبه... تامین می‌کند. اعمالی که با اعتراض همگانی گروه‌های شغلی و اجتماعی مختلف روبرو شده و هر روز که می‌گذرد عده بیشتری از مردم علیه تامین بودجه این چنینی به اعتراض متوسل می‌شوند. اگر تا کنون عمده‌ی اعتراضات از طرف گروه‌های مزد و حقوق بگیر که قربانیان اصلی سیاستهای حکومت هستند انجام می‌شد، اینکه کسبه و بازاریان و بخش‌هایی از صنعتگران نیز به گروه‌های نامبرده افزوده شده‌اند. اعتصابات و اعتراضات کسبه و بازاریان در چند هفته اخیر در چنین ابعادی بی سابقه است.

اداره کردن کشور با دست کردن در جیب مردم و تهی کردن سفره‌ها از نان البته ابداعی است که از ابلهان و فریبکاران بر می‌آید و علاوه بر اینکه قابل دوام نیست، عواقب وخیمی برای مردم دارد. تامین بودجه با کیفیتی که ذکر شد اگر هم واقعیت داشته باشد نه تنها هنری محسوب نمی‌شود بلکه عین بی‌لیاقتی و شارلاتاریسم است. وضعیت خیابانهای مملو از معترضین بهترین گواه این امر است. به قول و قرارهای دولتی که نتوانسته به هیچ یک از وعده‌هایی که به مردم داده عمل کند و اصولاً رویکرد ها و برنامه‌های سیاسی و اقتصادی اش بحران آفرین است، نباید اعتماد کرد.

با توصیه و تهدید و سرکوب چنین سیاستهای را نمیتوان برای مدت زیادی به کار بست. کما اینکه تهدید و نصایح آشکارا جانبدارانه خامنه‌ای از دولت در چند روز پیش ذره‌ای از مخالفت‌ها با سیاستهای حاکمیت نکاست که هیچ به تشدید آن منجر شد.

بحران ناکارآمدی حکومت به حدی رسیده است که دیگر با تهدید و سرکوب و نصایح و دادن وعده‌های سرخرمن قابل مهار نیستند. عجیب نیست که در شرایط بحران‌های حاد نزدیکترین حلقه‌های مرتبط به راس هرم قدرت به انتقاد و مخالفت با حکومت می‌پردازند و اتوریته دیکتاتور بزرگ را دیگر بر نمی‌تابند. سخنرانی تهدید آمیز خامنه‌ای خطاب به خودی‌ها ی حکومت بازتاب پیش آمد چنین موقعیتی است.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت موظف است به بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

برنامه های تضمین اشتغال: بررسی تئوریه‌ها و تجربیات عملی بخش نهم

فاضل کیوب



تصویر منتقدان تضمین اشتغال از دشواری اداری آن

ریشه این انتقاد که تضمین اشتغال پیامدهای تورمی خواهد داشت، همانا این ادعاست که برنامه تضمین اشتغال چیزی جز سیاست کینزی برای تقویت تقاضای کل از طریق پمپاژ پول نیست. اما، این انتقاد در نظر نمی گیرد که با وجود برنامه ای برای تضمین اشتغال، اشتغال کامل بدون توجه به سطح تقاضای کل حاصل می شود. علاوه بر این، این برنامه باید مانند سایر برنامه های دولتی، از طریق اعتبار دادن به حسابهای بانکی، و نه با "قرض گرفتن" یا "چاپ پول" علمی شود (و مالیاتها هم با برداشت از حسابهای بانکی جمع آوری شوند). به این ترتیب هزینه های برنامه صرفاً موجب افزایش ذخایر بانکی می گردد.

چالشهای تضمین اشتغال

بیشتر منتقدان تضمین اشتغال [از طریق دولت به عنوان کارفرمای آخر] به طور کلی ایده اشتغال کامل را می پذیرند، اما نسبت به ظرفیتهای آن برای مقابله با بیکاری ساختاری، رفع پیامدهایش برای تورم و دشواریهای لجیستیک تردید دارند. بسیاری هم نسبت به فایده اقتصادی مشاغلی که تحت پوشش برنامه های تضمین اشتغال ایجاد می شوند، و امکان انتقال مهارت‌های حاصل از این برنامه به بخش خصوصی شک دارند.

تغییر ساختاری و تکنیکی یکی از جنبه های مثبت اقتصادهای سرمایه داری است. با این حال، دولتهای کنونی طریق سیستماتیک را برای مواجهه و رسیدگی به این تغییرات نمی شناسند. در بهترین حالت آنها به تغییرات ساختاری و تکنیکی، پس از آن که این تغییرات حادث می شوند و پس از آن که کارگران از این آن شغل اخراج می شوند، واکنش نشان می دهند. فقط پس از وقوع این کیفیت است که بازآموزی



موضوعیت می یابد و جستجو برای راه حل آغاز می شود. حکومتها به عوض رسیدگی به علتهای ریشه ای، تنها وقتی به مسئله توجه نشان می دهند که در سطح آشکار شده باشد. این طریقی بسیار ناکارآ و نامسئولانه برای مواجهه با تغییرات ساختاری و تکنیکی است. برنامه های تضمین اشتغال از این پتانسیل برخوردارند که تغییرات مذکور را با برنامه ریزی دقیق در همکاری با بخش خصوصی، رهبران اتحادیه های کارگری و همچنین کارشناسان آموزشهای حرفه ای مدیریت کنند و از این طریق بتوانند دائماً تغییرات ساختاری در اقتصاد را تعقیب کنند. این کیفیت به برنامه های تضمین اشتغال امکان می دهد که برای تأمین آموزش های حرفه ای لازم برای کارگران اخراجی آماده باشند، به نحوی که آنها بتوانند به مؤثرترین طریقی با نیازهای بازار کار مجدداً دم ساز شوند. بنابراین تضمین اشتغال می تواند برنامه سیستماتیک بازدارنده ای را برای کمینه کردن خسارات ناشی از تغییرات ساختاری و تکنیکی پیش ببرد.

باید توجه داشت که این نوع تغییر در واقع یک مسئله نهادی است. بنابراین راه حل آن هم باید نهادینه شده باشد. برنامه تضمین اشتغال باید لیست روزآمدی از صنایع در معرض خطر و مناطق در معرض خطر داشته باشد، به نحوی که مدیریت آن بتواند برای ایجاد مشاغل زیر پوشش برنامه و پیشبرد برنامه های آموزشی در مناطقی که از تغییرات مذکور صدمه دیده اند، و برای مهارتهای جدیدی که مورد نیاز اند، آماده باشد. همچنین می توان قوانینی را وضع کرد که صنایع در معرض خطر را ملزم سازد به مقامات برنامه در مورد تعطیلی قریب الوقوع هشدار دهند تا تأمین مشاغل و بازآموزی بر این اساس برنامه ریزی شوند.

ریشه این انتقاد که تضمین اشتغال پیامدهای تورمی خواهد داشت، همانا این ادعاست که برنامه تضمین اشتغال چیزی جز سیاست کینزی برای تقویت تقاضای کل از طریق پمپاژ پول نیست. اما، این انتقاد در نظر نمی گیرد که با وجود برنامه ای برای تضمین اشتغال، اشتغال کامل بدون توجه به سطح تقاضای کل حاصل می شود. علاوه بر این، این برنامه باید مانند سایر برنامه های دولتی، از طریق اعتبار دادن به حسابهای بانکی، و نه با "قرض گرفتن" یا "چاپ پول" علمی شود (و مالیاتها هم با برداشت از حسابهای بانکی جمع آوری شوند). به این ترتیب هزینه های برنامه صرفاً موجب افزایش ذخایر بانکی می گردد.

از آنجایی که کارگران زیر پوشش برنامه تضمین اشتغال برای معیشت خود دستمزد دریافت می کنند، منتقدان برنامه غالباً این کیفیت را موجب و محرکی برای ماریج تورمی دستمزد-قیمت تلقی می کنند، به ویژه این که با وجود برنامه ای برای تضمین اشتغال، کارگرانی که کمتر از دستمزد کارگران تحت پوشش آن دریافت می کنند، طبعاً دستمزد بالاتری (و شرایط کاری و مزایای بیشتر یا مشابهی) را طلب خواهند کرد. اما چنین روندی به یکباره باعث تعدیل مطلوب دستمزدها در سراسر اقتصاد می شود که ممکن است با کاهش سود همراه باشد و موجبی برای ایجاد یا تشدید تورم نشود. بانک مرکزی نمی تواند در چارچوب برنامه تضمین اشتغال، با افزایش نرخ بهره - که موجب افزایش نرخ بیکاری می شود - با تورم مبارزه کند، زیرا این امر صرفاً ذخیره کارگران تحت پوشش برنامه و اندازه دولت را افزایش خواهد داد. سیاست مناسب بانک مرکزی، پیشبرد سیاست بازار باز است تا بتواند بهره کوتاه مدت را در نرخ مورد نظر خود تثبیت کند.

علاوه بر این، قابل ذکر است که برآوردها حاکی از آن اند که هزینه تأمین مالی برنامه تضمین اشتغال (از جمله هزینه های لجیستیکی) نسبت به تولید ناخالص داخلی بسیار ناچیز است و نمی توان آن را تورمی تلقی کرد.

از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکاهاى مستقل حمایت کنیم!

موانع تشکیل و فعالیت سندیکاها و تشکلهای کارگری باید از میان برداشته شوند!

اگر بخواهیم از تجربه یکساله بیاموزیم مروری بر نقش تشکل در پرتو اعتصابات کارگران پیمانی



شورای سازماندهی اگر از این تجربه آموخته باشد، برای اینکه سردار بی سرباز نشود باید از نفوذ و اعتبار خود برای چنین مدلی از سازماندهی تحت هر نامی که بیشتر می پسندد الی مجمع عمومی بهره بگیرد.

سال گذشته تقریباً در همین موقع هزاران کارگر غیر رسمی شاغل در ده‌ها شرکت پیمانکاری فعال در صنعت نفت و پتروشیمی که بصورت تک به تک نتوانسته بودند بر سر دستمزد، مرخصی، طبقه بندی مشاغل و خواسته‌های صنفی و رفاهی شان با کارفرمایان به توافق برسند پس از تشکیل یک نهاد هماهنگ کننده به منظور سازماندهی اعتراضات شان اقدام به یک اعتصاب جمعی که در سالهای بعد از انقلاب مشابه نداشت کردند.

نام این نهاد را شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گذاشتند و هدایت اعتصاب را این تشکل نوپا و ناشناخته به عهده گرفت. آنطور که از گزارشات بر می آمد سازمان دهندگان شورا قصد داشتند سازماندهی از پائین را با تشکیل مجامع عمومی در هر شرکت انجام دهند و در چند شرکت نیز موفق به این کار شدند و گزارشات آنها را نیز منتشر کردند. اما در عمل مشخص شد که ظرف مجمع عمومی ساختار مطلوبی که بتواند مطالبات کارگران هر شرکت را در مواقع لازم سازماندهی و پیگیری نماید نیست. به واسطه همین مشکل سازماندهی از پائین دشوار شد و در اثر فقدان تشکل منتخب و پایدار و مذاکرات جداگانه در هر شرکت بین کارفرمایان و کارگران وحدت و یک پارچگی اعتصاب مخدوش شد و کارفرمایان پس از مدتی زیر توافقاتشان با کارگران زدند.



شورای سازماندهی تصور می کرد با تعیین معیار برای مذاکره می تواند انسجام و وحدت رویه میان ده ها شرکت را که در اعتصاب بودند حفظ و از بالا رهبری کند، ولی در عمل در این کار توفیق زیادی نداشت. با این همه اعتصاب هم کلا بی نتیجه نبود. در بعضی شرکتها کارگران توانستند لافل به بعضی از خواسته هایشان برسند.

مهمترین ضعف آن اعتصاب در نحوه و مدل سازماندهی اش بود که در تجربه هم مشخص شد مدل مجمع عمومی مدل مطلوبی نیست زیرا که به نوعی یک بار مصرف بود و هر بار که تشکیل می شد در همان بار هم عملا خودش را منحل می کرد. از آن گذشته موارد زیادی مشکل در کارخانه پیش می آید که به نوعی با حقوق کارگر مرتبط هستند و نیاز به بررسی و تصمیم گیری دارند. آیا می شود و اصولا کارفرما می گذارد که کارگر هر بار که می خواهد برای تصمیم گیری مجمع عمومی تشکیل دهد؟ پاسخ آن منفی است. اگر اجازه هم بدهد در آن صورت چه کسی باید تشخیص بدهد کی باید مجمع عمومی را فرا بخواند و بقیه امور مربوطه را انجام دهد که از اختیار حقوقی برخوردار باشد؟

کارگر باید تشکلهای درست کند که مستمر باشند و بتوانند نمایندگان شان را برای مدت معینی انتخاب و در چهار چوب اساسنامه ای که در مجمع عمومی به تصویب می رسانند به آنها اختیار بدهند تا از حق و حقوق شان در موقع لزوم حمایت و خواسته های شان را نمایندگی کنند. سندیکا و شورا هر دو این قابلیت را دارند. مجمع عمومی اساسا برای انتخاب نمایندگان و تصویب مقررات و اساسنامه تشکل و برنامه فعالیت تشکل است و کارکردی فراتر از این ها ندارد.

تعداد زیادی اعتصاب و اعتراض از پایان سال گذشته تا حالا در بسیاری از شرکتهای پیمانکاری فعال در صنعت نفت انجام گرفته وقتی به خواسته های امسال این اعتصابات نگاه می کنیم و آنها را با خواسته های اعتصاب سراسری کارگران در سال گذشته مقایسه می کنیم می بینیم که پسرفت کرده اند. بعنوان مثال تعدادی بخاطر ندادن دستمزدها دو سه ماهه شان اعتصاب کرده اند. حال اینکه خواسته های اعتصابات سال گذشته دستمزد ۱۶ میلیونی و ۱۰ روز مرخصی ماهانه و اجرای طبقه بندی و امثالهم بود. علت چیست؟ آیا غیر از نداشتن تشکل است؟

کارفرمایان از تجربه آن اعتصاب بهتر از کارگران یاد گرفته اند که موفق شده اند، کارگران را از موضع تعرضی به تدافعی پس برانند.

کارگران نه تنها به تشکل ثابت و پایدار در هر کارخانه و موسسه احتیاج اکید دارند، بلکه به تشکیل اتحادیه ای متشکل از تشکلهای پایه نیاز دارند. تنها در چنین وضعیتی است که می توانند بهتر و مفید تر از خواسته ها و حقوق خود دفاع نمایند.

شورای سازماندهی اگر از این تجربه آموخته باشد، برای اینکه سردار بی سرباز نشود باید از نفوذ و اعتبار خود برای چنین مدلی از سازماندهی تحت هر نامی که بیشتر می پسندد الی مجمع عمومی بهره بگیرد.

حالا دوباره کارگران داربست بند در ۲۲ شرکت پیمانکاری دوباره سه روز است که در اعتصاب هستند و خواستار همان مطالبات سال گذشته شده اند. امید است این بار از تجربه سال گذشته استفاده کنند و فکری برای سازماندهی مناسب خود بنمایند.

از مبارزه کارگران، معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

دست مزد و حقوق کارگران و بازنشستگان باید به موقع و بدون تاخیر پرداخت شود!

قرادادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران با ید با انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



تا روز دوم تیر کارگران داربست بند در ۲۲ شرکت پیمانکاری و پتروشیمی به اعتصابی پیوسته‌اند که از اول تیر با خواست افزایش، دستمزد، ۱۰ روز استراحت ماهانه در ازای ۲۰ روز کار شروع شد. اکثر شرکت کننده گان در این اعتصاب کارگران داربست بندها هستند. احتمال اینکه تعداد بیشتری از کارگران و گروه های شغلی دیگر شاغل در شرکتهای پتروشیمی و نفتی به این اعتصاب ملحق شوند بسیار است زیرا مشکلات و مطالبات اکثر آنان مشابه است.

اعتصاب کارگران در داربست بند در ۲۲ شرکت پیمانکاری و پتروشیمی

به گزارش کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تا روز دوم تیر کارگران داربست بند در ۲۲ شرکت پیمانکاری و پتروشیمی به اعتصابی پیوسته‌اند که از اول تیر با خواست افزایش، دستمزد، ۱۰ روز استراحت ماهانه در ازای ۲۰ روز کار شروع شد. اکثر شرکت کننده گان در این اعتصاب کارگران داربست بندها هستند. احتمال اینکه تعداد بیشتری از کارگران و گروه های شغلی دیگر شاغل در شرکتهای پتروشیمی و نفتی به این اعتصاب ملحق شوند بسیار است زیرا مشکلات و مطالبات اکثر آنان مشابه است.



اسامی شرکت‌هایی که تا کنون بنا به گزارش کانال کارگران پیمانکار در اعتصاب هستند عبارت اند از، پتروشیمی صدف، پتروشیمی آپادانا، پتروشیمی دماوند، پتروشیمی کیان، سایت یک و دو پتروشیمی بوشهر، پتروشیمی آراین، پتروشیمی مرجان، پتروپالایش کنگان، پیمانکاری حاجی پور، شرکت رستاک پویا، شرکت فراسکو، پیمانکاری شهبازی، پیمانکاری مطوری، شرکت ایده سازان شرکت اکسیر صنعت و....

ادامه اعتراضات بازنشستگان

اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی در این هفته نیز ادامه یافت و به رغم وعده رسیدگی و تجدید نظر در مصوبه مزدی دولت بازنشستگان بواسطه بی اعتمادی به وعده های دولت و مجلس به اعتراضات خیابانی ادامه و بر انجام اعتراض تا قطعی شدن خواسته ها شان تاکید کردند.

تاثیر اعتراضات روی دولت و مجلس به قدری است که آنها را مجبور به عقب نشینی از مواضع شان کرده است. حال و احوال دولت و مجلس زمانی از این تظاهرات خرابتر شد که دیدند تظاهرات شدت گرفت و شعارهای تندی در شماری از شهرها علیه دولت و رئیسی داده شد. بهر جهت تنها وسیله ای که می تواند بازنشستگان را به حقوق شان برساند، ادامه او تشدید اعتراضات خیابانی است. نوشتن طوما و شکایت در زمانی که بازنشستگان وارد اعتراض خیابانی شده اند، یک حرکت انحرافی بی فایده و خاصیت است که به کار امروز بازنشستگان نمی آید.

بازداشت ۷ کارگر کارخانه سیمان به خاطر اعتراض به اخراج یکی از همکاران خود

به گزارش خبرگزاری ایلنا ۷ تن از کارگران کارخانه سیمان کارون واقع در مسجد سلیمان به دلیل اعتراض به اخراج یکی از همکاران خود که بخاطر شرکت در یک اعتراض صنفی صورت گرفت بازداشت شدند. به نوشته ایلنا گویا هنگام ممانعت از ورود یکی از کارگران به کارخانه بین عوامل کارفرما و کارگران درگیری پیش آمده و ۷ کارگر بازداشت شده اند.

اعتراض صنفی در ۳۱ خرداد و در اول تیر درگیری و بازداشت کارگران انجام شده است.

ادامه اعتراضات کارگران کشت صنعت کارون

کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون خواستار پرداخت مطالبات خود شدند

شماری از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر به عدم دریافت مطالبات خود اعتراض کردند

به گزارش خبرنگار ایلنا، یکم تیر ماه

تعدای از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون به عملی نشدن مطالبات صنفی خود و اجرا نشدن رای انفصال از خدمت مدیریت مجتمع اعتراض کردند

کارگران در ارتباط با مطالبات صنفی خود نیز گفتند: مطالبات کارگران این شرکت، همسان سازی حقوق و مزایای کارگران با شرکت های همجوار و مشابه کشت و صنعت نیشکری، تبدیل وضعیت کارگران قراردادی و پیمانکاری است



نرخ تورم رکورد های پیشین را شکست

به گزارش تعداد زیادی از رسانه ها نرخ تورم در پایان ماه گذشته به ۵۲٫۵ درصد رسید و رکورد تورم در جمهوری اسلامی را شکست. رکورد پیشین نرخ تورم از آن دولت رفسنجانی و حدود ۵۰ درصد بود. این آمار ها البته رسمی هستند که معمولاً کمتر از نرخ واقعی تورم را منعکس می کنند، آمار واقعی حتی از این هم بیشتر است. روزنامه آفتاب به نقل از آمار رسمی تورم نوشت:

"گرانی و تورم در ایران رکورد تاریخی زد

دو موتور تورمزا باهم روشن شده

نرخ تورم با جهشی کم سابقه در دولت رئیسی رکورد تاریخی زد. نرخ تورم نقطه‌ای در خردادماه ۱۴۰۱ به عدد ۵۲٫۵ درصد رسیده که در تاریخ ایران بی‌سابقه است. ایران در حال حاضر از نظر سطح بالای نرخ تورم جزء ۱۰ کشور صدرنشین جهان است و پس از ونزوئلا، سودان، لبنان، سوریه، زیمبابوه، ترکیه، سورینام و آرژانتین در رده نهم قرار دارد"

اعتصاب کارگران کوره پزخانه ها در تبریز

در اول تیر کارگران کارخانه های آجر پزی در تبریز به سبب امتناع صاحبان کارخانه ها و کارگاه های آجر پزی از افزایش دستمزد های شان اعتصاب و مبادرت به تظاهرات خیابانی کردند. بنا به برخی گزارشات کارگران بسیاری از کارگاه های آجر پزی به صورت خانوادگی کار می کنند و معمولاً دستمزد های کمتری به آنان داده می شود و از مزایای قانون کار هم بی بهره هستند.

کارفرمایان سالهاست که دستمزد کمتری از حداقل قانونی به آنان می دهند. اما امسال افزایش سرسام آور هزینه های زندگی و فشار ناشی آنان را به اعتصاب واداشته است. کارفرمایان که به دادن دستمزدهای اندک عادت کرده‌اند با وجود افزایش قیمت‌ها با اینکه خودشان قیمت محصولات خود را افزایش داده‌اند، اما حاضر به افزایش دستمزد کارگران نیستند.

بستن معدن برای ندادن حقوق کارگر

کارگران معدن کرومیت آسمینون در این هفته دوباره مجبور به اعتراض شدند. علت اعتراض ۱۳۰۰ کارگر بستن و تعطیل کردن معدن توسط کارفرما برای ندادن حق و حقوق کارگران بوده است.

در سال گذشته نیز در پی اعتصاب کارگران برای افزایش دستمزد، طبقه بندی مشاغل، تغییر قراردادهای کار، کارفرما برای فشار به کارگران به همین رویه متوسل شد. بستن جاده ترانزیتی استان هرمزگان، کرمان و سیستان و بلوچستان توسط کارگران در سال گذشته، موجب دخالت فرماندار و استاندار و سایر مقامات دولتی در سال گذشته شد و کارفرما متعهد شد خواسته های کارگران را عملی کند. به نوشته ایلنا مطالبات کارگران " اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، انعقاد قرارداد یکساله به روال سالهای گذشته و برداشتن سقف پرداخت حق اولاد کارگران بود که با پیگیری‌های مسئولان وقت، کارفرما ملزم به اجرای تعهدات شد."

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری ایلام

کارگران شهرداری ایلام در اعتراض به ندادن مطالبات مزدی شان طی چهار ماه گذشته، تجمع و خواستار پرداخت آن شدند.



آنهایی که با دست و جیب خالی بعد از کار روزانه به خانه برگشته‌اند و فرزندانشان مشتاقانه به سوی شان با آغوش باز دویده‌اند تا ببینند پدر یا مادر برایشان چه به خانه آورده، درد و رنج این کارگران و خانواده هایشان را بهتر درک می کنند! چه رنجی است کارگر بودن در این کشور بلازده.

!

اعتراض پرستاران در مشهد

تعدادی از پرستاران خراسان شمالی مقابل استانداری مشهد در اعتراض به اخراج از کار پس از افت بیماری همه گیر کوید ۱۹ تجمع و خواهان بازگشت به سر کارهایشان شدند.

اعتصاب کارگران دکل نفتی

کارگران دکل نفتی ۳۷ فتح متعلق به شرکت ملی حفاری ایران دوم تیر در اعتراض به ندادن آب و غذای کافی اعتصاب و خواهان رسیدگی به اعتراض خود شدند. کارگران معترض می گویند در هوای گرم تابستان خوزستان بدون در اختیار داشتن آب و غذای کافی نمی توانند دوام بیاورند و کار کنند.

پرسنل دکل در بخشی از نامه خود خطاب به مسئولین نوشته‌اند: "پرسنل تاکنون با جان و دل در شرایط سخت دمایی و کمبود شدید مواد غذایی و بهداشتی همکاری کرده‌اند، اما ادامه حفاری بر روی سکو و دیگر بخش‌های عملیاتی نه تنها امکان‌پذیر نیست، بلکه سلامتی کارکنان را به خطر می‌اندازد و امکان بروز حوادث جانی و مالی را فراهم می‌سازد"

پنج برابر شدن تعداد کودکان خیابانی در تهران

احمد احمدی‌صدر، مدیرعامل سازمان رفاه، روز ۳۰ خردادماه ۱۴۰۱، اعتراف کرد که تعداد کودکان کار تهران : افزایش ۵ برابری داشته است

طبق برآوردها و آمارهایی که از طریق بهداری، بهزیستی و شهرداری تهران در دست داریم، تعداد کودکان تهران، در سال ۱۴۰۰ کمتر از ۲ هزار نفر بود. اما با برآوردهای اولیه‌ای که در این زمینه انجام شده، آمار کودکان کار در تهران به سرعت رو به افزایش است. آمارهای بدست آمده نشان می‌دهد که تعداد کودکان کار تهران در سال ۱۴۰۱ به بیش از ۱۰ هزار نفر رسیده که نشان‌دهنده افزایشی ۵ برابری است. البته منابع مستقل شمار کارگران خیابانی را خیلی بیشتر از ۱۰۰۰۰ نفر اعلام کرده‌اند.

همه با هم برای آزادی معلمان، کارگران و سایر زندانیان سیاسی و مدنی مبارزه کنیم!.

پیروز باد مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق و بیمه کارآمد!





پیگرد فعالان تشکل‌های صنفی و تشدید فشار برای گرفتن اعترافات اجباری را محکوم می‌کنیم



حزب چپ ایران (فدائیان خلق) - گروه کارگری

بسیاری از رهبران و فعالان تشکل‌های صنفی فرهنگیان که در روز کارگر و قبل از آن توسط نیروهای سرکوبگر حکومت بازداشت و زندانی شده‌اند، همچنان در زندان و زیر بازجویی قرار دارند و می‌خواهند با وارد آوردن فشار آنان را وادار به اعتراف به اعمال ناکرده نمایند.

اطلاعات منتشر شده از وضعیت شماری از فعالین زندانی حاکی از تشدید فشارهای جسمی و روحی فزاینده برای تکمیل و توجیه سناریویی دارد که توسط نیروهای امنیتی ساخته و پرداخته شده‌است.

تعدادی از رهبران شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان از جمله رسول بدای، ابراهیم جعفری و محمد حبیبی به منظور فشار بیشتر جهت تن دادن به خواسته‌های تبهکارانه‌ی بازجویان به سلول‌های انفرادی منتقل شده‌اند.

از سرنوشت و وضعیت و محل نگهداری عده دیگری از معلمان زندانی خبری به خانواده‌های نگران آنان داده نمی‌شود و ماموران با امتناع از دادن اطلاع و تهدید و بی احترامی به همسران فعالین زندانی و ندادن ملاقات در واقع خانواده‌های زندانیان را نیز مجازات می‌کنند.

به نوشته کانال شورای هماهنگی طی دو ماه اخیر ۲۳۰ فعال صنفی بازداشت و زندانی شده‌اند. با این وجود پیگردها و بازداشت‌ها همچنان ادامه دارند و وقت و بی وقت عده دیگری را بازداشت می‌کنند.

بازداشت حمید قندی عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر در دوم تیر تازه‌ترین مورد است. فشار و امتناع از دادن اطلاع از وضعیت رضا شهابی و حسن سعیدی دو تن از رهبران زندانی سندیکاى واحد با نیت اعتراف‌گیری اجباری به اعمال ناکرده نیز ادامه دارد و رضا شهابی از دوهفته پیش و حسن سعیدی از چهار روز قبل در اعتراض به فشارهای طاقت فرسا، مبادرت به اعتصاب غذا کرده‌اند.

زندانبانان با وجود سپردن وثیقه یک میلیاردی از آزاد کردن ریحانه انصاری خودداری می‌کنند. اسکندر لطفی (سوران) سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان در اعتراض به فشارهای بازجویان در اعتصاب غذا به سر می‌برد و بعد از ۵۰ روز به همسر وی اجازه ملاقات داده‌اند. وضعیت سایر معلمان و کارگران زندانی کم و بیش مشابه است.

همه‌ی این فشارها و بگیر و ببند ها و بهانه آنها به‌خاطر فعالیت‌های تشکل‌های صنفی و نفوذ و محبوبیت آنها در میان زحمتکشان و به منظور فلج کردن تشکل‌های صنفی و مدنی تاثیر گذار از طریق پرونده سازی،



به زندان افکندن و از بین بردن نفوذ و مقبولیت اجتماعی رهبران و فعالان تشکل هاست. با این همه این اعمال جنایتکارانه و رسوا و افشا شده نزد مردم به نفوذ و محبوبیت بیشتر رهبران و فعالان تشکل‌های صنفی و انزجار و بیزاری بیشتر مردم از حکومت و تشدید فعالیت های سندیکایی، مدنی و آزادیخواهانه زحمتکشان خواهد شد.

گرفتن اعترافات اجباری به زور شکنجه ذره‌ای از اعتبار و نفوذ رهبران جنبش معلمان و کارگران نزد مردم نخواهد کاست. و خللی در اراده معلمان و کارگران برای پیگیری حقوق شان بوجود نخواهد آورد.



گروه کارگرگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) تشدید سرکوب رهبران و فعالان سندیکایی و مدنی و تحت فشار قرار دادن زندانیان مدنی و سیاسی و خانواده های آنان را محکوم و با اعلام همبستگی با زندانیان و خانواده های آنان از همه نهادها و سازمان های دموکراتیک و عدالتخواه و آزادگان درخواست می‌کند رهبران زندانی این رزم مشترک و خانواده‌های آنان را به هر شکلی که می‌وانند مورد حمایت قرار داده و برای آزادی عزیزان آنان و مردم تلاش کنند.

گروه کارگرگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۶ تیر ۱۴۰۱ - ۲۷ ژوئن ۲۰۲۲

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگرگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>